

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ ۚ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ

پاکا آن که ببرد بنده خود را در شبی از مسجد الحرام

إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا لَهُ دُورًا ۚ لَّئِن لَّمْ يَكُنِ الْإِنسَانُ لِرَبِّهِ

به مسجد الاقصی که برکت نهادیم گرداگرد آن به او بنماییم برخی از نشانه های خود را همانا نیست

مُشْرِئًا ۚ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّلْبَنِي إِسْرَءِيلَ ۚ

آن شنوای بینا و دادیم به موسی کتاب را و قرار دادیم آن را

أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلاً ۚ

راهنمودی برای بنی اسرائیل (کنیم) که مگیرید جز من کارسازی را

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ۚ

بنی اسرائیل حمل فرزندان کسانی که برداشتیم (از نوح) نوح هر آینه او بود بنده ای سپاسگزار

وَقَضَيْنَا إِلَيْنِاهُ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ

و اعلام کردیم به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) هر آینه فساد خواهید کرد در زمین

مَرَّتَيْنِ وَلَنَعْلَنَ عُلُوكَ كَبِيرًا ۚ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا

دو بار و البته برتری جویی خواهید کرد برتری جویی بزرگی پس چون باید وعده نخستین را آن دو اتیانای برمی نکریم

عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا ۚ أُولَئِكَ بَاسٌ شَدِيدٌ فَجَاسُوا خِلَلِ الدِّيَارِ ۚ

بر شما بنده گانی از خود را که جنگاور توانمندند پس درآیند درون خانه ها

وَكَاثِبًا ۚ وَعَدْنَا مَفْعُولًا ۚ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ ۚ

و هست (این) وعده ای انجام یافتی باز برگردانیم برای شما پورش را بر آنان

وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِأَمْوَالٍ غَنِيَةٍ ۚ وَجَعَلْنَاهُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۚ

و باری هم شمارا با مال ها و فرزندان و می گردانیم شما را بیشتر از جهت نفقات (شکرها)

إِن لَّحَسَنَةً أَحْسَنَ لَأَنفُسِكُمْ ۚ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ۚ فَإِذَا جَاءَ

اگر نیکی کنید نیکی کرده اید به خودتان و اگر بدی کنید به خود کرده اید پس چون باید

وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوُوا وَجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ

و عده دیگر بار ایستیم بندگان خود را تا آنگاه که مساوی چهره های آنان را و تا درآیند به مسجد

كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبَرَّوْا ۚ مَا عَلَوْا تَتَبَرَّوْا ۚ

چنانکه در آمده بودند نخستین بار و تا نابود کنند آنچه را دست یابند نابود گردنی سخت



عَسَىٰ **رَبُّكَ** أَنْ يَرْحَمَكُمَا وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ  
 حَصِيرًا ﴿۸﴾ **پرویزگار شما** که رحم کند بر شما و اگر بفرمایید به نفعی ما بفرمایید به کیفر و قرار دادیم نوره را برای کافران  
 حَصِيرًا ﴿۸﴾ **همانا** این قرآن راه می نماید به راهی که آن درست تر است و می تواند  
 الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَفْعَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿۹﴾  
 مؤمنان را همانان که می کنند کارهای شایسته به آنکه برای شان باشد مزدی بزرگ  
 وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱۰﴾  
 و همانا آنان که ایمان نمی آورند به آخرت آماده کرده ایم برای ایشان عذابی دردناک را  
 وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿۱۱﴾  
 و می خواند آدمی به بدی همچون درخوست او به نیکی و هست آدمی شتابکار  
 وَجَعَلْنَا آيَاتٍ فَاحِشَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا فَمِنْ حَمِصَةٍ أَسَفَرُوا ﴿۱۲﴾  
 و قرار دادیم نشانه های آشکارا برای کسانی که کفر کردند نشانه های آشکارا و قرار دادیم نشانه  
 النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّبَنَاتِهِمْ فَضَلًا مِّنْ **رَبِّكَ** وَلَتَعْلَمُوا عَدَدَ  
 روز (آفتاب) را سبب دین شما تا طلب کنید بخششی از **پرویزگار خود را** و تا بدانید شمار  
 السَّانِينَ وَالْحِسَابِ وَكُلُّ شَيْءٍ فَضْلَةٌ تَصْفِيًا ﴿۱۳﴾  
 سال ها و حساب را و هر چیزی را باز نموده ایم به تصفیل و هر  
 إِنْسَانٍ أَزْمَنَهُ طَعْنُهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخِجَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابُهُ  
 انسانی را بر بسته ایم کردار او را به گردنش و پنهان داریم برای او روز رستاخیز نامه ای که  
 يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿۱۴﴾ أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَبِيرًا  
 می بخشد آنرا گشاده بخوان نامه خود را کافی است که تو امروز بر خودت حساب گر باشی  
 مَن أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ  
 هر که راه یابد پس جز این نیست که راه یابد می شود به سود خود و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه می شود  
 عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَقَّ نَبْعُ  
 به ضرر خود و بر ندارد هیچ بر دارنده ای بار دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده تا آنکه برانگیزیم  
 رُسُلًا ﴿۱۵﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا  
 پیامبری را و چون خواهیم که هلاک کنیم آبادی ای را فرمان (و قدرت) می دهیم به خوشگذران های آن پس نفرمانی کند در آن  
 فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿۱۶﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن  
 پس سزاوار می گردد بر آن آبادی وعده (عقاب) پس آن را نابود کنیم به سختی و چه بسیار هلاک کردیم از  
 الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ **بِرَبِّكَ** بِذُنُوبٍ عَابِدِينَ خَيْرًا بَصِيرًا ﴿۱۷﴾  
 مردم زمان ها بعد از نوح و همین بس که **پرویزگار است** به گناهان بندگان خود آگاه بیناست



مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْمَعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ  
 هر که بخواهد این جهان زودگذر را به شتاب دهیم به وی در آن آنچه را خواهیم برای هر کس که اراده کنیم سپس  
 جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلُهَا مَذْمُومًا مَذْهُورًا ﴿۱۸﴾ وَمَنْ أَرَادَ  
 قرار می دهیم برای او دوزخ را که در آید در آن نکوهیده رانده شده و هر که بخواهد  
 الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ  
 آخرت را و سعی کند برای آن کوشش در خور آن را و او مؤمن باشد پس آنان باشد  
 سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿۱۹﴾ كَلَّا نُنْعِذُ هَتُولَاءِ وَهَتُولَاءِ مِنْ عَذَابِ  
 سعی ایشان سپاس داشته شده همه را یاری می دهیم این گروه و آن گروه را از بخشش  
 رَبِّكَ ﴿۲۰﴾ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿۲۱﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا  
 پروردگار تو نیست بخشش پروردگار تو باز داشته شده بین چگونه برتری دادیم  
 بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا  
 بعضی از آنان را بر بعضی از دنیا و هراینه آخرت بزرگ تر است از جهت درجات و بزرگ تر است در برتری  
 ﴿۲۲﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَحْدُورًا ﴿۲۳﴾  
 قرار نده با الله دیگری را که بشینی نکوهیده بی یار مانده  
 وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا  
 و حکم کرده است پروردگار تو که عبادت نکنی سگر او را و با پدر و مادر نیکوکاری کنی اگر  
 يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا  
 برسد نزد تو به کلان سالی یکی از ایشان یا هر دوی ایشان پس مگو به آنان  
 أُنْفِ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿۲۴﴾ وَأَخْفِضْ  
 اف = گسترین تلفظ نازکی و بانگ مزین بر ایشان و مگو به ایشان سخنی نیکو و فرود آور  
 لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا  
 بر ایشان بال فروتنی را از روی مهربانی و مگو ایها پروردگارم بر آن تو رحمت آور چنانچه پرورش دادند مرا  
 صَغِيرًا ﴿۲۵﴾ رَبُّكَ أَغْلَىٰ بِمَا فِي نَفْسِكَ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ  
 در خرد سالی پروردگار شما دانایتر است به آنچه در دل شماست اگر باشید شایسته گان  
 فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّيْبِ غَفُورًا ﴿۲۶﴾ وَمَاتِ زَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ  
 پس همالو برای بازگشت کنندگان آمرزنده است و بده به خویشاوند حق او را  
 وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿۲۷﴾ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ  
 و به بیوا و در راه مانده و هج گونه ریخت و پاشی مکن همالو ریخت و پاش کنندگان  
 كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿۲۸﴾  
 هستند برادران شیاطین و هست برای پروردگار خود بسی ناسپاس



وَأَمَّا تَعْرِضْنَ عَنْهُمْ أَيَّغَاةَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا  
 واکر روگردانی از آنها به جستجوی رحمتی از برای تو که لیکن آن باشد پس بگو به ایشان گفتاری  
 مَيْسُورًا ﴿۲۸﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا  
 نرم ﴿۲۸﴾ و قرار مده دست خود را بسته به گردن خود یا بخل مکن و مگشای آن را  
 كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿۲۹﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ  
 تمام گشاده که بشینی نکوچید در مانده ﴿۲۹﴾ همانا پروردگار تو می گسترد روزی را  
 لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿۳۰﴾ وَلَا تَقْتُلُوا  
 برای هر که خواهد و تنگ می گرد بی گمان تو هست به امثال ایندگن خود آگاه بینا ﴿۳۰﴾ و مکتب  
 أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةً لِّمَن لَّقِيَ تَحَنُّنٌ تَرِثُهُمْ ذِيَّ الْقُرْبَىٰ وَإِنَّا فَتْلَهُمْ وَكَانَ  
 فرزندان خود را از ترس تنگدستی ما روزی می دهیم آنان را و شمارا همانا کشتن ایشان هست  
 خِطًّا كَبِيرًا ﴿۳۱﴾ وَلَا تَقْرَبُوا الرِّزْقَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَا  
 گناهی بزرگ ﴿۳۱﴾ و نزدیک مشوید به رزق که همگان هست کاری زشت و بد  
 سَبِيلًا ﴿۳۲﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن  
 راهی است ﴿۳۲﴾ و مکتبید آن کس را که حرام ساخته است الله [کشتن] مگر به حق و هر که  
 قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي  
 کشته شود به ستم پس قرار داده ایم برای وارث او تسلطی بر نفس او پس باید که زیاده روی نکند در  
 الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿۳۳﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي  
 کشتن زیر الوافها یاری شده است ﴿۳۳﴾ و نزدیک مشوید به مال یتیم مگر به طریقی که  
 هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ  
 آن نیکوتر است تا آنکه برسد به سن بلوغ خود و وفا کنید به پیمان همانا از پیمان  
 مَثْمُولًا ﴿۳۴﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسَاسِ الْمُسْتَقِيمِ  
 پرسیده خواهد شد ﴿۳۴﴾ و تمام و کامل کنید پیمانه را چون پیمانه کنید و وزن کنید با نوازوی راست  
 ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۳۵﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ  
 این بهتر و نیکوتر است از جهت فرجام ﴿۳۵﴾ و دنبال نکن چیزی را که نیست برای تو به آن دانشی  
 إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَثْمُولًا ﴿۳۶﴾  
 همانا شنوایی و چشم و دل از همه آنها درباره آن پرسیده می شود ﴿۳۶﴾  
 وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ  
 و گام بر مدار در زمین خرامان همانا تو نخواهی شکافت زمین را و نخواهی رسید  
 الْجِبَالَ طُولًا ﴿۳۷﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿۳۸﴾  
 به کوهها در بلندی ﴿۳۷﴾ همه اینها هست بدی آن نزد پروردگار تو ناپسندیده ﴿۳۸﴾



ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا  
 این استیون از آن چیزی است که وحی کرده است به سوی تو **بروردگار** از حکمت و قبولیده با **الله** له  
 آخِرَ فَلْيَقِ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿۲۱﴾ أَفَأَصْفَنَاكَ رَبُّكَ  
 دیگری را پس انداخته شوی در دوزخ نکوهیده رانده شده **۲۱** آیا برگزید شما را **بروردگار** تان  
 بِالْبَيْنِ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْسَانًا إِنَّكَ لَنَقُولُ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿۲۲﴾  
 به **ایسترا** یسران و **ایجاد** گرفت از فرشتگان دخترا را **۲۲** همانا شما می گوید سختی بزرگ را **۲۲**  
 وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا تُقُورًا ﴿۲۳﴾  
 و به درستی که گوناگون سخن گفتیم در این قرآن تا پند گیرند در حالی که نمی افزاید بر ایشان مگر **تقور** را **۲۳**  
 قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَا بُدَّوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا  
 بگو اگر می بودند **بالوا** غنا **اله** های دیگر چنانچه می گویند **۲۴** آنگاه می چستند به سوی صاحب عرش را **۲۴**  
 ﴿۲۴﴾ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿۲۵﴾ نُسِخَ لَهُ السَّمُوتُ  
 پاکا لو و **والا** تراست از آنچه می گویند به **والای** بزرگی **۲۵** به پاکی یدمی کند لورا **۲۵** هفت  
 السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ  
**اسان** و زمین و هر که در این هاست و نیست هیچ چیزی مگر به پاکی یدمی کند به ستایش او ولیکن  
 لَا يَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا حَلِيمًا غَفُورًا ﴿۲۶﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ  
 شما نمی فهمید تسبیح شان را همانا او هست بردباری **امور** کار **۲۶** و چون بخوانی  
 الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا  
 قرآن را قرار می دهیم میان تو و میان آنان که ایمان ندارند به آخرت پرده ای  
 مَسْتُورًا ﴿۲۷﴾ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ  
 پوشیده را **۲۷** و قرار می دهیم بر دل های شان پوشش هایی را که آن را نفهمند و در گوش هایشان  
 وَقَرَأَ وَإِذَا ذُكِّرْتُ بِرَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَنَّا أَذِّنْهُمْ نَفُورًا  
 گوش را **امی** دهیم و چون یاد کنی **بروردگار** **۲۸** در قرآن به یگانگی روی می گویند بر جانب پشت های خود به حالت **نفر** می کنی  
 ﴿۲۸﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ  
 ما **۲۸** ظاهریم به چیزی که می شنوند به سبب آنکه که گوش می دهند به سوی تو و آنگاه که آنان را **گویی** باشند  
 إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَسْمِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿۲۹﴾ أَنْظِرْ  
 آنگاه می گویند این ستمکاران بی روی نمی کنید مگر مردی جادو شده را **۲۹** بگر  
 كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿۳۰﴾  
 چگونه زدند برای تو مثل ها را پس گمراه شدند پس نمی تواند راهی را بیابد **۳۰**  
 وَقَالُوا لَوْذَا كُنَّا عِظَمًا وَرَفَقًا أَوَلَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿۳۱﴾  
 و گفتند **ایا** چون شویم استخوان هایی و **العظمی** پوسته و ریز ریز **ایا** ما برانگیخته شویم به **فرستش** نوین؟ **۳۱**



**قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا** <sup>۵۰</sup> **أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي**  
 بگو شوید سنگ ها یا آهن یا مخلوقه ای دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در  
**صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا** **قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ**  
 سینه های شما پس زودی خواهند گفت کیست که باز آورد ما را؟ بگو آن کس که بیافرید شما را نخستین بار  
**فَسَيَغْفِرُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُوكَ مَتَى هُوَ** **قُلْ عَسَى أَنْ**  
 پس به زودی خواهند جنبید به سوی تو سرهای خود را و گویند کی خواهد بود آن (برگشتن) بگو شاید که  
**يَكُونَ قَرِيبًا** <sup>۵۱</sup> **يَوْمَ يَدْعُوكُمْ** **فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ**  
 باشد نزدیک روزی که (الله) بخواند شما را پس پاسخ می دهید با پس و ستایش او  
**وَتَطْمَئِنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا** <sup>۵۲</sup> **وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ**  
 و گمان می کنید که درنگ نکرده باشید مگر اندکی و بگو به بندگانی که بگویند سخنی که آن  
**أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزِعُ بَيْنَهُمْ** **إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَتْ لِلْإِنْسَانِ**  
 بهتر است همانا شیطان تباهی می افکند میان آنان همانا شیطان هست برای آدمی  
**عَدُوًّا مُّبِينًا** <sup>۵۳</sup> **رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ** **إِنْ يَشَأْ يُرْسِلْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ**  
 دشمنی آشکارا <sup>۵۳</sup> **يُرْسِلْكُمْ** شما دانایتر است به حال شما اگر خواهد رحم کند بر شما یا اگر خواهد  
**يُعَذِّبُكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا** <sup>۵۴</sup> **وَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ**  
 عذاب کند شما را و نفرستادیم تو را بر آنان نگاهبان <sup>۵۴</sup> و **يُرْسِلْكُمْ** تو دانایتر است  
**بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ**  
 به هر که در آسمان ها و زمین است و هر آینه برتری دادیم برخی پیامبران را بر برخی دیگر  
**وَمَا تَسْأَلُ دَاوُدَ زَبُورًا** <sup>۵۵</sup> **قُلْ أَدْعُوا الَّذِينَ رَزَقْتُمْ** **مِنْ دُونِهِ فَلَا**  
 و دادیم به داوود زبور را <sup>۵۵</sup> بگو بخوانید آنان را که گمان دارید (از پروردگار) به جز الله پس  
**يَمْلِكُونَ كَشَفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْزَنُوا** <sup>۵۶</sup> **أُولَئِكَ الَّذِينَ**  
 توانند برداشتن گزند را از شما و نه تغییر دهن آن را <sup>۵۶</sup> آنان اهل کسلی که  
**يَدْعُونَ يَتَسَفَّوْنَ إِلَيْنَا** **رَبَّهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْهِمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ**  
 می خوانند (اشرا) خود می جویند به سوی **رَبَّهُمُ** خدایشان مستولیز را هر کس را (به خدا) نزدیک تر باشد و امید دارند  
**رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ** **إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا** <sup>۵۷</sup>  
 به رحمتش و می ترسند از عذابش همانا عذاب **رَبِّكَ** <sup>۵۷</sup> در خور بیم و پروا است  
**وَلَنْ مِّنْ قَرِيبٍ إِلَّا عَن مَّهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْفَيْكَةِ**  
 و نیست هیچ آبادی ای (طبیعت) مگر آنکه ما هلاک کننده ایم آن را پیش از روز رستاخیز  
**أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا** **كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا** <sup>۵۸</sup>  
 یا عذاب کننده ایم به عذابی سخت هست این (حکم) در کتاب (لوح محفوظ) نوشته شده <sup>۵۸</sup>



وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ

و باز نداشت ما را از آنکه بفرستیم نشانه‌ها را (معجزات) تا بگویند مگر آنکه دروغ انگاشتند آنها را پیشین

وَعَايِنَا نَعْمَدَ الثَّاقَةِ مُبْصِرَةً

و دیدیم به نمود آن شترخانه را روشنگرته (تا حسی روشن باشد) پس ستم کردند به آن و نمی فرستیم نشانه‌ها را

إِلَّا غَوِيًّا ۝۸ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا

مگر برای بیم دادن ۸ و ای دل‌کن آنکه که گفتیم به تو که همانا پروردگار تو فرا خواهد گرفت مردمان را و

جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي أَرَيْتَكَ إِلَّا فَتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ

نگردانیم آن خوابی را که به تو نمودیم مگر آزمایش برای مردمان و درخت لعنت شده

فِي الْقُرْآنِ وَنُفُوهُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۝۹

در قرآن و نفوذ آنرا پس نمی افزاید آنان را مگر سرکشی بزرگ ۹

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

و ای دل‌کن آنکه که گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند مگر ابلیس

قَالَ مَا سَجَدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ۝۱۰ قَالَ أَرَأَيْتَ إِنْ كُنْتُ نَارًا

گفت ایما سجده کنم برای کسی که آفریدی از گل؟ ۱۰ گفت چه دیندگی؟ (به من بگو) این را که

كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ أَخْرَجَنَّكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَأَحْنَنَنَّكَ

برتری دانی بر من اگر مهلت دهی مرا تا روز رستاخیز البته از بیخ برکت

ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ۝۱۱ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ يَتَّبِعُكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ

اولاد او را مگر اندکی ۱۱ خدا فرمود برو پس هر کسی که از پیروی کند از ایشان پس بی گمان

جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا ۝۱۲ وَأَسْتَفْزِرُّ مِنْ أَسْطَاطَتِ

دوزخ سزای شماست سزای تمام اوست ۱۲ و بر انگیز هر که را توانی

مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ

از ایشان به آواز خود و بانگ بز بر ایشان با سواران خود و پیادگان خود و شریک شو با ایشان

فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا

در اموال و فرزندان و وعده ده ایشان را و وعده نمی دهد به آنان شیطان مگر

غُرُورًا ۝۱۳ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى

به فریب ۱۳ همانا بندگان من نیست برای تو بر ایشان هیچ تسلطی و کافی است

بِرَبِّكَ وَكَيْلًا ۝۱۴ الَّذِي يُزَيِّجُ لَكُمْ الْأَمْثَالَ

که پروردگار تو کارساز است ۱۴ پروردگار شما کسی که روانه می کند برای شما کشتی‌ها را

فِي الْبَحْرِ لِيَبْلُوَكُمْ مِنْ فِضْلِهِ إِنَّهٗ كَآتٍ بِكُمْ رَجِيمًا ۝۱۵

در دریا تا بجوید از بخشش او همانا او هست به شما مهربان ۱۵



وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا بَلَغْنَا  
و چون برسید به شما سختی در دریا تالپید می‌شوید آنانی که می‌خواستید مگر لواحقا پس چون رهید شمارا  
إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿۷۵﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَن يُخَيِّفَ  
به سوی خشکی روی برمی گردانید و هست آدمی بسیار ناسپاس ﴿۷۵﴾ آیا ایمن شده اید از آنکه فروبرد  
بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا يَجِدُوا لَكُمْ  
شمارا در جانبی از خشکی یا بفرستد بر شما شن بادی را آنکه نیاید برای خود  
وَكَيْلًا ﴿۷۶﴾ أَمْ آمِنْتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ  
هیچ نگهانی را ﴿۷۶﴾ یا اینکه ایمن شده اید از آنکه بازگرداند شمارا در آن دریا بار دیگر؟ پس بفرستد  
عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا  
بر شما باد و برانگیزی را پس غرق گرداند شمارا به سبب آنکه ناسپاسی کردید سپس نیاید  
لَكُمْ عَلَيْنَا يَهُودَ بَيْعًا ﴿۷۷﴾ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ  
برای خویش بر ما به سبب آن هیچ بازخواستی؟ ﴿۷۷﴾ و هر آینه گرامی داشتیم فرزندان آدم را و برداشتیم ائمان را  
فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ  
در خشکی و دریا و روزی دادیم به ایشان از چیزهای پاکیزه و برتری دادیم ایشان را بر  
كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿۷۸﴾ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ  
بسیاری از آنچه آفریده ایم برتری دادنی روزی که بخوانیم هر گروهی را  
بِأَسْمِعِهِمْ فَمَنْ أُوْفِيَ كِتَابُهُ بِمِيسِرِهِ فَأُولَٰئِكَ يَتْلُونَ  
با پیشوایشان پس هر که داده شود نامه اعمال او به دست راستش پس آنان می‌خوانند  
كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلَمُونَ قَتِيلًا ﴿۷۹﴾ وَمَن كَانَتْ فِي هَذِهِ  
نامه خود را و ستم نبیند به قتل‌زده رفته باریک میان هسته خرمایی ﴿۷۹﴾ و هر که باشد در این دنیا  
أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿۸۰﴾ وَإِن تَرَدُّدًا  
کوراند را پس وی در آخرت کوراند است و گمراه تر و هر آینه نزدیک بود که  
لِفَقْتُوكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْقَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ  
به قریب بگردند تورا از آنچه وحی فرستادیم به سوی تو تا دروغ بیندی بر ما جز آن را که وحی کردیم  
وَإِذَا لَأَتَّخِذُوكَ خَلِيلًا ﴿۸۱﴾ وَلَوْلَا أَن تُبَشِّرَكَ لَقَدْ كِدْتَ  
و آنگاه تورا گیرند به دوستی و اگر نه آن بودی که ثابت داشتیم تورا هر آینه نزدیک بودی  
تَرَكَنَّ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿۸۲﴾ إِذَا لَأَذَقَنَّكَ ضِعْفَ  
که میل کنی به سوی ایشان میلی اندک ﴿۸۲﴾ هر آینه می‌چشاندیم تورا دو چندان عذابا  
الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْعَمَاتِ ثُمَّ لَا يَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿۸۳﴾  
زندگانی و دو چندان عذاب مرگ را آنگاه نمی‌یافتی برای خود برادف عذاب اما یاوری را ﴿۸۳﴾



وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لَيُخْرِجُوكَ مِنْهَا  
و هر آنکه نزدیک بود که بقزاقند تو را از زمین تا تو را بیرون کنند از آنجا

وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٧٦﴾ سُنَّةَ مَنْ  
و آنگاه درنگ نکنند پس از تو مگر اندکی به شیوه آنان که

قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾ أَفَمِنْ  
فرستاده ایم ایشان را پیش از تو از پیامبران ما و نخواهی یافت درست ما هیچ دگرگونی را ﴿۷۷﴾ برپا دار

الصَّلَاةِ لِذُلُوكِ الشَّصِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنِ الْفَجْرِ إِنَّ  
نماز را از وقت زوال آفتاب تا تاریکی شب و خواندن نماز صبح همانا

قُرْآنِ الْفَجْرِ كَانَتْ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ  
خواندن نماز صبح باشد مورد مشاهده درنگش ﴿۷۸﴾ و پاره ای از شب پس بگنجان به پیشانی در آن

نَافِلَةٍ لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا ﴿٧٩﴾ وَقُلْ رَبِّ  
انما شب که قرضی است برای تو از نمازهای واجب باشد که بفرماید تو را پروردگارت به جایگاهی پسندیده ﴿۷۹﴾ و بگو ای پروردگارم

أَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَأَجْعَلْ لِي مِنْ  
درآور مرا در هر گزی در آورستی درست و بیرون آر مرا بیرون آوردنی درست و قرار ده برای من از

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ﴿٨٠﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ  
تو خودت حقی یاری دهنده را و بگو آمد حق و نابود شد باطل

إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ  
همانا باطل هست نابود شنی ﴿۸۱﴾ و فرو می آوریم از قرآن آنچه را که آن شفا

وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا  
و رحمت است برای مؤمنان و نمی افزاید بر ستمکاران مگر زیان را ﴿۸۲﴾ و چون

أَنعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَغْرَضَ وَثًا يَحْيَاهُ ﴿٨٣﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَتُوسَّأُ  
نعمت بخشیم بر انسان روی بگرداند و دور کند پهلوش را بپوشاند و چون رسد به او بدی باشد تاسید

﴿٨٣﴾ قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى  
بگو هر کسی کار می کند بر ساختار خود پس پروردگار شما دانای است به کسی که وی راه

سَيِّئًا يَفْتَحُ ثَوْرًا ﴿٨٤﴾ وَتَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي  
یافته تر است ﴿۸۴﴾ و می پرسند از تو درباره روح بگو روح از فرمان پروردگار من است

وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ  
و داده نشده اید از دانش مگر اندکی و اگر بخواهیم حتما ببریم

بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿٨٦﴾  
آنچه را وحی فرستاده ایم به سوی تو آنگاه نیایی برای خودت نسبت بطن بر ما کارساز را ﴿۸۶﴾



إِلَّا رَحْمَةً مِن رَّبِّكَ **۸۷** إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا **۸۸** قُلْ

مگر رحمتی از پروردگار است همانا بخشش او هست بر تو بزرگ **۸۷** بگو

لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ

اگر جمع شوند انعیان و جن ها بر آنکه بیارند مانند این قرآن را

لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا **۸۹** وَلَقَدْ

هرگز نیارند مانند آن را و اگرچه باشد برخی از ایشان برای برخی پشتیبان **۸۹** و هر آینه

صَرَفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ

گواهی یمن کردیم برای مردمان در این قرآن از هر مثلی پس نخواهند بیشتر مردمان

إِلَّا كُفُورًا **۹۰** وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ

مگر ناسپاسی را **۹۰** و گفتند هرگز باور نداریم به تو تا آنکه جاری کنی برای ما از

الْأَرْضِ يَلْبُوعًا **۹۱** أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَعَسَىٰ

زمین چشمه ای را **۹۱** یا باشد برای تو باقی از (درختان) خرما و انگور

تَفْجُرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا **۹۲** أَوْ تَسْقُطَ السَّمَاءُ كَمَا

پس روی کنی جوی ها در میان آن روان کردنی **۹۲** یا بیفتنی آسمان را چنانچه

زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بَاقًا **۹۳** وَالْمَلَكُ قَبِيلًا **۹۴**

گمان می کنی بر ما باره باره یا بیاوری **۹۳** و فرشتگان را (روباروی) **۹۴**

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرَفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَن نُّؤْمِنَ

یا باشد برای تو خانه ای از زد یا بالاروی در آسمان و باور نداریم

لِرُفْقِكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَذَا

به بالارفتن تو تا آنکه فرود آوری بر ما کتابی که بخوانیم آن را بگو پاک است پروردگار من نیستم

كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا **۹۵** وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمْ

من مگر آدمی فرستاده شده **۹۵** و بازداشتن مردمان را از آنکه ایمان آورند آنگاه که آمد برای ایشان

الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا **۹۶** قُلْ لَّوْ كَانَ

هدایت مگر آنکه گفتند آیا برانگیخته است الله آدمی را به پیامبری **۹۶** بگو اگر می بودند

فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمشُونَ **۹۷** مُطْمَئِنِّينَ لَنزَلْنَا عَلَيْهِم

در زمین فرشتگانی که راه می رفتند به آرامش می فرستادیم بر ایشان

مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا **۹۸** رَسُولًا **۹۹** قُلْ كَفَىٰ **بِاللَّهِ**

از آسمان فرشته ای را به پیامبری **۹۸** بگو کافی است **۹۹** **بِاللَّهِ**

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ خَبِيرًا **۱۰۰** بَصِيرًا **۱۰۱**

که گواه میان من و میان شما باشد هر آینه او هست به بدگانش آگاه **۱۰۰** بینا **۱۰۱**



وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ  
 و هر که راه نمودن را الله پس اوست و هر که گمراه سازد پس هرگز نباشد برای آن دوستی را  
 مِنْ دُونِهِ وَيَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَىٰ وَجُوهِهِمْ عَمِيًَّا وَبُكَامًا  
 به حر الله و برانگیزیم آنان را روز بر روهایشان تابان و گنگان  
 وَصَمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا  
 و گران جایگاه دوزخ است هرگاه که فروشنید رفته اند بفرماییم بر آتش آتش افزوده را  
 ذَلِكَ جَزَاءُهم يَأْتُهُمْ كُفْرًا بِغَائِبِنَا وَقَالُوا كُنَّا عِطَمًا  
 این است سزای آن به سبب آنکه کفر شدند به سائدهای ما و گفتند ایچون شویم سحوس ها  
 وَرَفَعْنَا أَوْتَارًا لَيَبْعَثُونَّ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿١٨﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ  
 و اعطای از هم یافیده ای برانگیخته می شویم به افریس نو آید مدیده اند که  
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ  
 که آفریده است آسمان ها و زمین را تواناست بر اینکه بیافریند مانند آنها را  
 وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّأَيَّ فِيهِ قَالِي الطَّالِثُونَ إِلَّا كُفُورًا  
 و قرار داده است برای آن سرآمدی را که هیچ بریدی نیست در آن پس بخوند مسکون مگر ناسپاسی را  
 قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ خَرَابٍ رَحِمَهُ رَفِئًا إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ حَشَبَةً  
 بگو اگر شما در احیاء داشتید خرابه های حبس برودگار را آنگاه هر آنه محل می ورزید از ترس  
 الْإِسْعَاقِ وَكَانَ الْإِسْنُ قَتُورًا ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ  
 خرج کردن و هرب آدمی همواره یک نظر = بخین و هرایه نادیم به موسی به  
 عَابَتٍ يَتَسَلَّىٰ فَسَلَّ بَنِي إِسْرَءِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ  
 سائده روس را پس بپرس آری بنی اسرائیل آنگاه که موسی بر تامل شد پس گفت به او فرعون  
 إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَىٰ مَشْهُورًا ﴿٢٠﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أُمِرَ  
 همان من می پندارم تو را ای موسی مشهور ده گفت هر آینه تو می دانی که فرستاده است  
 هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ وَلِي لَأَظُنُّكَ  
 اینها را مگر برودگار آسمان ها و زمین در حلی که صبر یسند و هرایه من می پندارم تو را  
 يَمْرَعُونَ مَشْهُورًا ﴿٢١﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَنْفِرَهُمْ مِنْ الْأَرْضِ  
 ای فرعون هلاک شده پس خواست که برانگیزد ایشان کنایه آنرا از آن زمین  
 فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ﴿٢٢﴾ وَقَتْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ  
 پس غرق ساختیم او را و آن را که همراه او بودند همگی و گفتیم پس از وی به بنی اسرائیل  
 أَنْكُورُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَاكُمْ لَعِيفًا ﴿٢٣﴾  
 ساکن شوید در این زمین پس چون بیاید وعده آخرت بیاوریم شما را در هم امیخته نام



وَيَالْحَقِّ أَزَلُّهُ وَيَالْحَقِّ زَلُّ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

و به حق فرو فرستادیم از برای تو و به حق فرو آمده است و فرستادیم تو را مگر بفرستاده و بیم دهنده

وَقَرْنًا وَقَرْنًا فَرَقَهُ يُنْقِرُهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَرَلُّهُ نَزِيلًا

و از برای هر دو نفر فرستادیم و بخوبی از هر دو مرتعی به نزدیک و فرو فرستادیم از برای هر دو فرستادیم

قُلْ عَامِسُوا بِهِمْ أَوْ لَا تَوَسَّوْا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ

بگو ایمن آورید به آن یا ایمن نیارید همان آنان که دانش داده شد به ایشان پیش از آن چون خوانده شود

عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ مَسْجَدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَنَ رَبِّكَ إِنْ كَانِ

بر ایشان می افتد بر چانه ها سجده کن و می گویند پاکا پروردگار ما هر چه هست

وَعَدُّ رَبِّكَ لِمَعْمُولًا وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَسْكُونُ وَيَزِيدُهُ

و عدده پروردگار ما انجام ندی و می افتد بر چانه ها در حق که گریه می کند و می فراید ایشان را

خُشُوعًا قُلْ أَدْعُوا اللَّهَ أَوْ أَدْعُوا الرَّحْمَنَ أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ

فروسی بگو بخوبید یا بخوانید هر کدام که بخوانید پس برای اوست

الْأَسْمَاءُ الْفُضَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَاسْتَعِ

نام های بگور و به صد محو ساز خود را و همه محو آن را و محو

يَن ذَٰلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

میں از راهی و بگو ستایش لله است آن نانی که نکرده است فرزند و نیست

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَثِيرٌ تَكْبِيرًا

لورا هیچ شریکی در فرمانروایی و نیست بری او یاری از سر بری و بزرگ ظهور بزرگ نفسی

## سورة الكهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهربان مهربان

لَحْمَدُ الَّذِي أَرْسَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا

ستایش لله است که فرو فرستاد بر بنده خود این کتاب و فرستاد در آن هیچ کجی را

قِيمًا لِّيُذِرَ بَاسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

فرستاد از برای تذکره و بسوزاند از برای سبب از بودلو و مرده دهد به مؤمنان پس که

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا مَّا كُنْتُمْ

می کرد کارهای نایب که برای پشن است بدانی بگو پاسارد

فِيهِ أَبَدًا وَيُذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا

در آن همیشه و نا بیم دهد از آن که گفت گرفته است الله فرمیدی را



مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَثُرَتْ كَلِمَةٌ تَخْرُجُ مِنْ  
 بَیْسِ بَرِائَتی به آن هیچ دانسی و نه برای پدرانشان بزرگی است سخنی که بیرون می آید از  
 أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ۝ فَلَمَّا كَافَرَ هَاشِمُ بْنُ مَدْلَجٍ وَنَجِيعُ بْنُ  
 نَحْلَانَ هَاشِمِی ایسان پس میبایا هلاک سازی خود  
 عَلَى عَاقِبَتِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمَرُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ۝ إِنَّا  
 بَرِئٌ مِنْ ذَیْقَتِیْ اَیسان اگر ایسان میاورد به این سخن از اسوه همان ما  
 جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ رِيسَةً لِّمَنْ يَسْتَلُوهُمْ أَمَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا  
 فر دادیم آنچه که بر زمین است برای آن که بپرسند از آن که کلام کسی از آنست بهیچگونه بر او  
 وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُورًا ۝ أَمْ حَسِبْتَ  
 و همانا ما گمارده ایم آنچه که بر روی آنست زمین خشک و بی گیاه ای پنداشتی که  
 أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ۝  
 به رانسی اصحاب کهف و رقیم بودند از نشانه های ما پس شگفتا  
 إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَسَّآ ۝ إِنَّا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةٌ  
 زده ای لکنه باده بردند جوانان به آن غار پس گفتند برو گام بده به آن از مردخوب رحمتی  
 وَهَبْنَا لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ۝ فَصَرَبْنَا عَلَى خَدَانِهِمْ فِي  
 و آماده ساز برای ما در کارمان رهافس پس باده دیم بر گوس هاشمیان در  
 الْكَهْفِ سِتْرًا عَدَدًا ۝ ثُمَّ نَعَثْنَهُمْ بِلُعَمٍ أَيْ لُغَمٍ  
 آن غار سال های شمرده شده سپس بر انگیزیم ایشان تا معلوم کنیم کدام یک از دو گروه  
 أَحْسَنُ لِمَا لَيْسُوا أَمَدًا ۝ تَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ  
 بهتر است از آنست که گفتی که درنگ نکرده اند ما حکایت می کنیم بر تو حقیقتان و به حق  
 إِنَّهُمْ فَتْيَةٌ ءَامَسُوا رَبَّهُمْ ۝ وَرَدَّاهُمْ هُدًى ۝ وَرَبَطْنَا  
 هر ایه ایس جوانی بودند که ایسان نوردند به خود و بیفرودیم بر اسلی هاشمیان و اسوار سنجیم  
 عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 در هاشمیان را نگاه که ایسانند پس گفتند بروید کار ما برو اسان ها و زمین است  
 لَنْ نَدْعُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا ۝ هَؤُلَاءِ  
 هرگز فراموشی خویشیم به جروی الهی که اگر خویشیم هر ایه گفته بشیم لکنه سخنی نبود دروغ و نور عقل ایها  
 قَوْمًا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَوْ لَا يَأْتُوكَ عَلَيْهِمْ  
 قوم ها که گرفته اند به جر الله اله هاشمیان جر نمی آورند بر انبیا ایسان  
 يُسَلِّطِينَ بَيْنَ أَهْلِ الْأَرْضِ مَنْ أَمْلَمَ ۝ مِمَّنْ أَفَرَأَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝  
 دین روسی را پس کیست ستمکار بر آن کسی که بر خدا دروغ می راند



وَأَنذَرْتَهُمْ وَمَا يَحْتَضِرُونَ إِلَّا أَنَّهُ قَالُوا إِلَى الْكَهْفِ

و چون کرده جسد از آمان و در محله می پرسند نه خبر نه پس پناه نبرد نه پس عار

بَنَشْرٍ لَّكُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَتَهَيَّيْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَرَقَمًا

تا بگسrand برای شما برو گداز و جمع خود و مهیا سازد برای شما در کارهای اندیسی

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزْوُجُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ

و می بینی آفتاب را چون برآید مایل می شود از غار ایشان به جانب

الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ مِنْ ذَاتِ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَخْوَ

راست و چون غروب کند در گذرد از ایشان به جانب چپ و ایسان در فرجایی

يَتَهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن

از آن عرید این از نشانه های اله است هر که راه نماید پس او راه یافته است و هر که را

يُضِلُّ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًا مُّرْشِدًا وَنَحْنُ أَتَقَاتُوا

گمراه کند پس هرگز نیابی برای تو هیچ دوست راه نمای را و پنداری ایسان را بیدار

وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم

در حالی که ایسان حفته اند و می گردانیم ایسان را به جانب راست و جانب چپ و سگ ایشان

بَكِيضٌ ذَرَاعَاهُ بِالْوَحِيدِ لَوْ أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ

گسrandه است دو بازوی خود را نه ایسان در اگر طلاع یابی بر ایشان ایسان روگردان می

فِرَارًا وَلَمِئْتَ مِنْهُمْ رُغْبًا ۚ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ

به طریق گریختن و هراسیده ایسان سوی زمین ایسان از ترس و بختی برنگیحم ایسان را

لِتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا

تا پرس ایسان در میان خود گفت گوینده ای از ایشان چقدر درنگ کرده اید؟ گفت درنگ کرده ایم

يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَكُومٌ أَغْرَضْنَا لَبِثْتُمْ قَاتِلًا

یک روز یا پاره ای از روز گفت برو دکار است دانان است به مقدر درنگ کردی شما پس بفرسید

أَحَدَكُمْ يَوْمَ فُتِنْتُمْ هُنَا إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَتَيْنَا

یکی از خودتان را با این دروغمنی نه سوی شهر پس باید که بگردد کنشش از دکل های شهر یا کرده بولس

طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ

جهت طعام پس بیاورد برای شما روزی ایسان و باید صدرا و برسی کند و خبردار نکند

بِكُمْ أَحَدًا ۚ إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ

به احدی شما هیچ کس را همان ایسان اگر تصادف نماید بر شما بگسrand کند سزارا

أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا

یا برمی گردانند سزارا در ایسان خود و هرگز رستگار نخواهد شد در آن صورت هیچ گاه

حرف  
۳



وَكَذَلِكَ أَتَيْنَاهُم بِآيَاتِنَا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

وَأَمَّا كَلِمَةُ (مَرْدَمِ نَهْدِ) أَكَلَهُ كَرْدِيمُ بِرَحْلِ اسْتَلْ نَافِطَانِدْ كِه وَعَدَا لِلَّهِ بِعَدِّ دَرِیْهِ كَلِمَةُ سَمْعِ مَرْدِ كَلِمَةُ حَقِّ سَبِّ وَاسْمِ كِه

السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّلُونَ مِنْهُمْ أُمُرُهُمْ فَقَالُوا

فیصلہ بھیج دیندی بسا در آں اُنکلو کہ کھکش می گیرید میں خود در کارس بس (مخلص) کہند

أَبَوْا عَلَيْهِمْ بَيْنَنَا وَتَنُحِمُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الْإِيسَى عَلَمًا عَلَى

بنا کرد مر عثر آیسال بابی ر **برو کا** داناں است به حال سانی گفت اناں کہ چیرہ بودند بر

أَمْرِهِمْ لَسَّجِدَاتٍ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا يَسْجُدُونَ ثَلَاثَةٌ

کارتاس      آلبه خواہیم ساجد      بر      اس      مسخدی را      جسمی خواهند گفت      اصحاب کہف      یہ      ہی

رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجَعْنَا

که چهارم ایل سنگ سال است و احمی می گوید پنج بن اند که هم است سنگ شل است سنگ شله

بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا قُلُوبًا وَلَمْ يَكُنْ لَنَا فِئْرَةٌ وَنُحْمٌ وَأَرْهَافٌ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُمْ خَلْقُوا مَا يُؤْمَرُونَ

نہایت سے خوشی ہوئی کہ وہ ایک اور نیا کام کرے گا۔

يَعِدُّهُمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُحْصَى لَهُمْ إِلَّا مَرَّةً ظَهَرَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا وَلَا تَقُولَنَّ لَشَأْنِهِ

مطر محباء      نوبارة آستان      از هیچ      کسی      و میگوهری      دریاچه صحرای

فَاعِلٌ دَلِيلٌ عَدَا <sup>١٣</sup> إِلَّا أُرِيشَاءَ اللَّهِ وَأَذْكُرُ رَبَّنَا

که من آینه کسده ام در آن  
مگر آنکه از آن بگذرد

ذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا

پس کہ فراموش گئی و بگو ایست که به یاد من

وَلَيْسُوا فِي كُفْرِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سَنَةٍ وَآرَدَادُوا نَسْعًا

و در یک کردید در علی حود به حد سال و در دو سال در یک

قُلْ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَسْتُمْ لَهُ غَيْثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

دانشان اسماء به معنی که که رنگ که دند درام اوست علیا عبد اسماء

وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا تُشْكَرُ

۱۔ حضرت سیدنا **ابو بکر** رضی اللہ عنہ  
 ۲۔ حضرت سیدنا **ابو عمر** رضی اللہ عنہ  
 ۳۔ حضرت سیدنا **ابو یوسف** رضی اللہ عنہ  
 ۴۔ حضرت سیدنا **ابو حنیفہ** رضی اللہ عنہ  
 ۵۔ حضرت سیدنا **ابو ذر** رضی اللہ عنہ  
 ۶۔ حضرت سیدنا **ابو سعید** رضی اللہ عنہ  
 ۷۔ حضرت سیدنا **ابو موسیٰ** رضی اللہ عنہ  
 ۸۔ حضرت سیدنا **ابو جابر** رضی اللہ عنہ  
 ۹۔ حضرت سیدنا **ابو سلمہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۰۔ حضرت سیدنا **ابو قتادہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۱۔ حضرت سیدنا **ابو ریحان** رضی اللہ عنہ  
 ۱۲۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۳۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۴۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۵۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۶۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۷۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۸۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ  
 ۱۹۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ  
 ۲۰۔ حضرت سیدنا **ابو ہریرہ** رضی اللہ عنہ

وَأَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ

حکیم خود      علم کبریا      ران      اوستی      ایستاد      من کتاب

لَا مُدَّةَ لِكَلِمَتِهِ وَلَكِنْ تَحَدُّ مِنْ دُونِهِ مُتَحَدًّا

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّسْتَفِيهِمْ يَكْفُرُ بِهِمْ لَبِيسًا



وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالَّتِي  
 و سکیا دار خود را با آنان که می خوانند پروردگار خود را به صبح و شام  
 يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ  
 می خواهی رهای او را و برنگردد دیدگانت از آنها که میخواهی زینت را پس زندگانی  
 الدُّنْيَا وَلَا تُطِيعَ مَنْ أَغْضَبَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبِعْ هَوَاهُ وَكَانَ  
 دنیا را و اطاعت مکن آن را که غفلت ساختیم دل تو را از یاد کردن ما و پیروی کن خواهش خود را و حسب  
 أَمْرُهُ قُرْطًا ﴿٢٨﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِنِّي رَتَكُزْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن  
 کار او ارجمند گشته و بگو حق از جانب پروردگار من است پس هر که خواهد ایمان آورد و هر که  
 شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْفَاطِلِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا  
 خواهد کافر شود همانا مهتاب کردیم برای ستمکاران آتشی که در گردنشان آتش را سربینه های  
 وَلَئِن يَسْتَغِيثُوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ  
 و اگر فریادرسی خواهند فریادرسی می شود نه ای مانند مس گدازه که به پا می کشد چهره ها را بد  
 الشَّرَابِ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا  
 سامانی است و بد و دورج بد همانا آنانی که ایمان آوردند و کردند  
 الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَشْرَ مَن أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ أُولَئِكَ  
 کارهای ساینده همانا ما ضایع نمائیم پاداش کسی که بیکو کرده است کار او را آن  
 لَهُمْ جَنَّاتٌ جَدْنٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ  
 برای آنان باغ های جانورانی است که می رود بر زیر انداختن میوه ها و رودخانه شود در آنجا اثر تمسکهای  
 مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِن سُدُسٍ وَاسْتَرَقَ مُشْكِينَ  
 از طلا و می پوشند جامه های سبز از دسای سبز و دبیای سبز بکیه کار است  
 فِيهَا عَلَى الْأَرْبَابِ نَقَمَ الثَّوَابِ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾ \* وَأَصْرَبَ  
 در آنجا بر صاحب ها خوب پاداش و بیکو سمرنگاهی است و بر  
 لَهُمْ مَثَلًا رَحُلَيْنِ حَمَلَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْتُهُمَا  
 برای ایسل مثل و دو مرد که در در خانه ما برای یکی از آن دو دو نوع از درختان انگور و گردن کردند  
 بِخَلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا ﴿٣٢﴾ كَلَّا الْجَنَّتَيْنِ مَاتَتْ أَكْلَهُمَا وَلَمْ  
 در آن گدازه بودیم و درختان درخت و در درختان در میان دو نوع کسری را هر دو باغ می نداشت خوردن خود را هیچ  
 نَظْمٍ فِيهِ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا ﴿٣٣﴾ وَكَانَ لَهُ نَمْرٌ فَقَالَ  
 پس گاند از آن میوه جبری و جاری ساختیم میان هر دو جوی را و بود برای او حاصلی پس گفت  
 لِيَصْحَبَهُ وَهُوَ مُحَاوَرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِمَّكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾  
 به رفیق خود در حالی که او گفتگویی کرد با او من بشترم از تو در مال و پیرو صدم از جهت قدرت و پیرو صدم

سورة الكهف / ۱۸



وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ  
 ودرآمد به باغ خود و حال آنکه او مستکبر بود برای خویش گفت نمی پندارم که نابود شود این باغ  
 أَبَدًا ﴿٢٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِّدْتُ إِلَى رَبِّي  
 هیچ گاه <sup>و گمان ندارم</sup> که رستاخیز برپا شوی باشد و اگر بازگردانیده شوم به سوی پروردگار خود  
 لَا أَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٢٦﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ  
 هر آینه خواجهم یافت بهتر از آن جایگاهی <sup>گفت</sup> به او همراه او و او گفتگو می کرد با وی  
 أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا  
 آیا کافر شدی به الله آن که آفرید تو را از خاک سپس از نطفه ای سپس تو را مردی کامل گردانید  
 لَئِكَنَّا <sup>﴿٢٧﴾</sup> هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٢٨﴾ وَلَوْلَا إِذْ  
 لیکن این می گویم که <sup>﴿٢٧﴾</sup> الله پروردگار من است و شریک نمی سازم <sup>﴿٢٨﴾</sup> با پروردگار خود هیچ کس را و چرا آنکه که  
 دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا  
 درآمدم به باغ خود نگفتی هر چه بخواهد الله نیست نیرویی مگر به <sup>﴿٢٩﴾</sup> یاری الله اگر بینی مرا  
 أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٣٠﴾ فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُوَفِّيَنَّ خَيْرًا مِنْ  
 که کمتر از تو مال و فرزند <sup>﴿٣٠﴾</sup> پس امید است که پروردگار من بدهد به من بهتر از  
 جَنَّتِكَ وَرُسُلٌ عَلَيْهَا حُتُبَانَا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَوِيبًا  
 باغ تو را و فرستند بر آن لغتی از آسمان پس گردد زمینی صاف  
 زَلَقًا ﴿٣١﴾ أَوْ يَصْبِحَ مَاؤُهَا غَورًا فَلَن يَسْتَطِيعَ لَهُمُ طَلَبًا ﴿٣٢﴾  
 و می گیاه <sup>﴿٣١﴾</sup> یا شود آب آن فرو رفته پس هرگز نتوانی <sup>﴿٣٢﴾</sup> برای آن جشن  
 وَأُحِيطَ بِشَرِّهِمْ فَاصْبَحَ يَقْلَبُ كَفَيْهِ عَلَىٰ مَا أَتَّفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ  
 و فرا گرفته شد محسوسش پس صبح کرد در حالی که پیوسته می زدند و می زدند بر سر او و او را فرو ریخته بود  
 عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ بَلِّغْنِي لِمَ أَشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٣﴾ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ  
 بر درخت های خود و می گفت ای کاشی شریک نکرده بودم <sup>﴿٣٣﴾</sup> با پروردگار خود هیچ کس را و نبود برای او  
 فِتْنَةٌ يَصْخَرُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٣٤﴾ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ  
 هیچ گروهی که او را یاری دهند در برابر الله و نشد او انتقام گیرنده <sup>﴿٣٤﴾</sup> آنجا یاری از آن  
 لِلَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٣٥﴾ وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا الْخَيْوَةَ  
 الله بر حق است وی بهتر است به ثواب دادن و بهتر است به سرانجام <sup>﴿٣٥﴾</sup> و نیز برای آنان مثل زندگانی  
 الدُّنْيَا كَمَا أَزَلَّتْهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ  
 دنیا را مانند ای است که فرو فرستادیم آن را از آسمان پس بیامیخت به سبب وی رستی زمین  
 فَاصْبَحَ هَشِيمًا تَذَرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٣٦﴾  
 پس گردید <sup>﴿٣٦﴾</sup> الخردل درهم شکسته که می پراغید آن را بادهای و هست الله بر هر چیزی توانا <sup>﴿٣٦﴾</sup>



الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ  
مال و فرزندان آرایش زندگی این دنیاست و ماندگارهای ثابت

خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿١٦﴾ وَيَوْمَ نُسِرُّ الْجِبَالَ وَتَرَى  
بهتر است نزد پروردگارت از جهت ثواب و بهتر است از جهت امید داشتن ۱۶ و ایست کن روزی را که رویشان کنیم کوه ها را و بینی

الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿١٧﴾ وَعَرْضُوا  
زمین را هموار و هویدا و جمع سازیم آنان از زمین را پس نگذاریم از ایشان هیچ کس را ۱۷ و عرضه شوند

عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْتُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ  
بر پروردگارت صف کشیده هر آینه آمدید پیش ما چنانچه آفریده بودیم شما را اول بار بلکه می پنداشتید

أَلَّنْ جَعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿١٨﴾ وَوَضَعَ الْكِتَابَ فَفَرَى الْمُجْرِمِينَ  
که قرار ندهیم برای شما وعده گاهی را ۱۸ و نهاده شود نامه اعمال پس بینی برهنگاران را

مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُبَوِّلُنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ  
ترسان از آنچه در آن نوشته است و می گویند ای وای بر ما چیست این نامه

لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا  
که فرو نهاده است هیچ کذا کوچک و نه بزرگی را مگر به شمار آورده است آن را و بیابند هر چه کرده بودند

حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿١٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا  
پیش رو و ستم نمی کند پروردگارت تو ۱۹ و ایست کن ملائکه که گفتیم به فرشتگان سجده کنید

لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ  
برای آدم پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس سرپیچید از فرمان پروردگار خود

أَفَسَخِدُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أُولَئِكَ مِنْ دُونِ وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ  
آیا پس می گیرید او را و فرزندان او را دوستان به جای من و ایشان برای شما دشمنند دشمنان و دشمنان

يُنْشِئُ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٢٠﴾ مَا أَشْهَدُهُمْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ  
بد است برای ستمکاران به عنوان جایگزین ۲۰ شاهد نگرفته بودم آنان را بر آفریدن آسمان ها

وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسَهُمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا  
و زمین و نه بر آفریدن خودشان و نگرفته بودم گمراه کنندگان را به مددکاری

﴿٢١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ  
۲۱ و روزی که فرماید ای خدایان مرا ندا کنید شریکان مرا آنان که می پنداشتید پس ندا کنند آنها را

فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ﴿٢٢﴾ وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ  
پس پاسخ نخواستند داد به ایشان قرار دهیم میان آنها هلاکت گاهی باطله و خطا ۲۲ و بینند برهنگاران

النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٢٣﴾  
آتش را پس یقین کنند که آنان درافتادنی اند در آن و نیابند از آن راه برگشتی را ۲۳



وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ  
و هر آینه گوناگون بیان کردیم در این قرآن برای مردمان از هر مَثَل و مَثَل  
الْإِنْسَانِ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَعَ النَّاسِ أَنْ يُؤْمِنُوا  
آنس بیش از هر چیزی در چون و چرا ﴿۵۴﴾ و باز ندانسته است مردم را از اینکه ایمان بیاورند  
إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ  
آنگاه که آمد برای ایشان همنمود و اینکه آمرزش بخواهند از پروردگارشان مگر آنکه برسد به ایشان روش  
الْأُولَىٰ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا تُرِيدُ الْمُرْسَلِينَ  
پیشینان یا بیاید بر ایشان عذاب روبرویی ﴿۵۵﴾ و نمی فرستیم پیامبران را  
إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَمُجَدِّدُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ  
مگر مرزده نهدگان و بیم نهدگان و ستیزه می کنند کسانی که کفر ورزیدند به باطل  
لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي هُزُوًا ﴿٥٦﴾ وَمَنْ  
تا بداند سبب آن اجل را حق را و گرفت آیت مرا و چیزی را که به آن بیم داده شدم به ریشخند ﴿۵۶﴾ و کس  
أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ  
سنگین تر از آن که پنداشد به آیت پروردگار پس روی گرداند از آن و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده است دوست وی  
إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا  
همانا ما قرار دادیم بر دل هایشان پرده هایی که تفهمن آن را و در گوش هایشان سگینی است  
وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ  
و اگر بخوانی ایشان را به سوی هدایت پس هرگز نیایند به راه هیچ گاه ﴿۵۷﴾ و پروردگار تو  
الْفَقُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذْهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَEَجَلٌ لَهُمْ  
امر زگار صاحب رحمت است اگر می گرفت ایشان را به سبب آنچه کرده اند هر آینه شتاب می نمود بر ایشان  
الْعَذَابُ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجْعَدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْيلًا ﴿٥٨﴾  
عذاب را بلکه برای ایشان وعده گاهی است که هرگز نیاید در برابر آن مَویل را ﴿۵۸﴾  
وَبَلَدِكَ الْفُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ  
و آن آبادی ها هلاک کردیم آنها را چون ستم کردند و قرار دادیم برای هلاک شان  
مَوْعِدًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتْنِهِ لَا أُبْرَحُ حَتَّىٰ  
وعده گاهی را ﴿۵۹﴾ و اید کن آنکه که گفت موسی به جوان خود پیوسته راه می روم تا آنکه  
أَتُبْلَغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا  
برسم به جایگاه به هم پیوستن دو دریا یا بیوم روزگاری دراز (راه را) پس چون رسیدند  
مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نِسَاءَ خُوتَاهُمَا فَأَتَخَذَتْ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾  
به جایگاه پیوستن آن دو دریا فراموش کردند ماهی خود را پس گرفت ماهی راه خود را در دریا به حالت سرازیر



فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتْنِهِ ءَايِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا  
 پس چون گذشتند گفت اموسا به جوان خود بیاور برای ما چاشت ما را هر آینه یافتیم از این سفرمان  
 هَذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْتِنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ  
 رنجی سخت ﴿٦٢﴾ گفت آیا دیدی آنگاه که جای گرفتیم به نزد آن تخته سنگ پس من فراموش کردم  
 الْخُوتَ وَمَا أَنَسَيْتُهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ  
 ماهی را و فراموشم نداشت آن را مگر شیطان که یاد کنم آن را و گرفت [ماهی] راه خود را  
 فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَارْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا  
 در دریا به شیوه ای شگفت ﴿٦٣﴾ اموسا گفت آن [حاجت] همین است که ما می جستیم پس بازگشتند بر رد پای خود  
 قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا ءَاتِيَهُ رَحْمَةً مِنْ  
 بی جوان ﴿٦٤﴾ پس یافتند بنده ای از بندگان ما را که دادیم به او رحمتی را از  
 عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَيْتُكَ  
 نزد خود و آموختیم به او از نزد خود دانستی را ﴿٦٥﴾ گفت به او موسی آیا پیروی کنم تو را  
 عَلَىٰ أَنْ تَعَلِّمَ مِنِّي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ  
 به شما آنکه بیاموزی به من از آنچه آموخته شده ای از راهم منی ﴿٦٦﴾ گفت همانا تو هرگز نتوانی  
 مَعِيَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ نَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ  
 با من شکیایی کردن ﴿٦٧﴾ و چگونه شکیایی کنی بر چیزی که احاطه نیافتی به آن از جهت آگاهی؟ ﴿٦٨﴾ گفت  
 سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ  
 خواهی یافت مرا اگر خواهد **الله** صبرکننده و نافرمانی نکنم از تو در هیچ کاری ﴿٦٩﴾ گفت  
 فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْتَأْذِنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا  
 اگر از من پیروی کردی پس مبرس از من از چیزی تا آنکه خود آغاز کنم برای تو از آن سخن را  
 فَإِن تَطَلَّعَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقَهَا  
 پس هر دو رفتند تا وقتی که سوار شدند در کشتی شکافت آن را گفت اموسا آیا شکافتی آن را  
 لِتُفْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧٠﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ  
 تا غرق کنی اهل آن را هر آینه انجام دادی کاری بسیار رشت را ﴿٧٠﴾ گفت آیا نگفته بودم که تو  
 لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ لَا تُؤْخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا  
 نتوانی با من شکیایی را ﴿٧١﴾ گفت اموسا باز خواست مکن مرا به آنچه فراموش کردم و  
 تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٢﴾ فَإِن تَطَلَّعَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ  
 بر من تحمیل مکن در کارم دشواری را ﴿٧٢﴾ پس هر دو رفتند تا آن که دیدار کردند پسری را پس بکشت او را  
 قَالَ أَقْبَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٣﴾  
 گفت اموسا آیا کشتی یاری را بی آنکه کسی را [کشته باشد] هر آینه مرتکب شدی کاری ناپسند را ﴿٧٣﴾